

آغاز فصل جدید شوکران از مهرماه

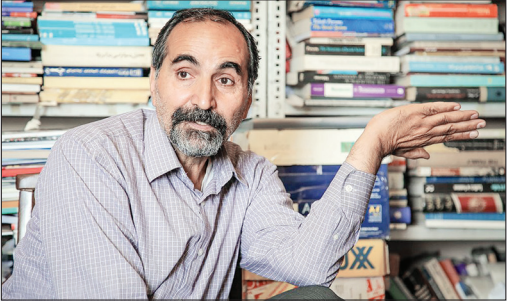
مسعود معینی‌پور، مدیر شبکه چهارم سیما در پاسخ به این پرسش که فصل دوم برنامه تلویزیونی «شوکران» از چه زمانی پخش می‌شود، در حساب‌توییتری خود نوشت: «از دی‌ماه ۹۷ در شبکه چهار تمام زمینه‌های شوکران (فصل دوم) آماده است و به ادامه کار مصریم.» وی با بیان اینکه شوکران محصول مشترک شبکه چهار و حوزه هنری است، ابراز امیدواری کرد فصل دوم این برنامه از اول مهر روی آنتن برود.



ارمکی

از طبقه متوسط می‌گوید

اولین نشست از سلسله نشست‌های راهبردی مطالعات اجتماعی ایران، با موضوع «طبقه متوسط: فروپاشی یا بازسازی؟» با سخنرانی تقی آزادارمکی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، روز چهارشنبه اول خرداد ساعت ۱۴ در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، واقع در خیابان وصال شیرازی، کوچه شاهد پلاک هشت، برگزار می‌شود.



سیاست اندیشی در قالب شرح عهدنامه مالک اشتر

بحرانی وعهدی که روزالست بسته شد!

و ریاست و ضوابط مقررہ رعایت و سیاست^(۵) و سنجیدن آن به موازین مقومه کتاب و سنت و قوانین مقتبسه از مشکوٰۃ علوم و آثار ائمه عصمت و کرامت علیهم الصلوات ازکیها و من التسلیمات اشرفها و اسناها مربوط است و نخبه و [زبده]^(۶) آن قواعد مبینہ براساس عدل و حکمت و ضوابط بینہ به لسان صاحب شرع و ملت در مکاتیب و عهدنامه‌جات وصایای حضرت سیدالاوصیا و سرور اولیا [ناخوانا] خاتم انما ولیکم الله ولی عهد من کنت مولاہ فعلی مولاہ صلوات‌الله و سلامه علیه که در ایام خلافت به ولاہ و سرکردگان حدود و اقطار و عمال و کارکنان بلاد و امصار نوشته‌اند، مندرج است. (همان: ۱۲-۱۱)

بحرانی معتقد است علی(ع) در حکومت کردن همواره «تسخیر مملکت قلوب» مردمان می‌کرده است، اما این به این معنی نیست که امام دین را تابع دنیا کند.

بزعزم وی «آن حضرت در ایام خلافت... به اقتضای مصالح دنیویہ از حکم خدای سبحانہ تجاوز و تخطی نمی‌فرموده‌اند و ائمه جور و ضلال برخلاف این طریق عمل می‌نموده، امور دین را تابع امور دنیا می‌ساخته‌اند و هرجا مصلحت دنیویہ اقتضا می‌کرد، مخالفت کتاب

حق سبحانہ و سنت پیغمبر صلی‌الله علیه و آله نموده رأیت خودرایی برمی‌افراخته‌اند. (همان: ۲۳)

به‌نظر می‌رسد رساله مخالف تقدم عمل چنانکه امروزه ذیل عنوان پراگماتیسم می‌بینیم است. البته باید توجه داشت که رساله از ابتداء میانی فکری‌اش را بر محور «خلق انسان برای عبودیت» چیده است و معتقد است سلطنت باید انسان را به سوی رستگاری هدایت کند. اگر جهان‌شناسی سه‌گانه‌ای را که پیشتر صدرا و فیض بدان پرداخته بودند را درنظر آوریم، متوجه خواهیم شد که در نظام معنایی بحرانی، رستگاری امری محدود به افق در جهانی انسان نیست؛ یعنی رستگاری سوی دیگری نیز دارد که حیات واقعی انسان در سرای باقی است.

بحرانی در یکی از ابواب رساله که با عنوان «رمز و اشاره» آن را متمایز کرده است، واژه «عهدنامه» را حاوی دو معنای ضمنی می‌داند: «اولا به عبودیت و بندگی فرمانروای زمین و آسمان» و «ثانیا با امرت [کذا] و سرکردگی زمره شریفه اهل ایمان و «اشاره به این معنی است که قواعد سرکردگی خلق براساس محکم بندگی حق مبنی است و

شایسته عمل این امامت کسی است که در جمیع احوال و اطوار، اندیشه و کردار و گفتارش مسبوق به ملاحظه و مراعات بندگی جناب رب‌الارباب و مالک‌الرباب... بوده، با تمکن بر مسند فرمانروایی و تقلد امر امارت و پیشوایی خود، راه واسطه قیام خلق به حق، عبادت و شکرگزاری و مقدمه حصول نتیجه طاعت و فرمان‌برداری حضرت مالک‌الملک حقیقی عزّ شأنه و عظم سلطانه داند.» (همان: ۲۸-۲۷)

بحرانی در اینجا در ظرافتی عرفانی، عهدنامه را به عهدی تأویل می‌کند که انسان در روز الست با خداوند بست و تعهد بندگی داد.^(۷) این عهد مبنای بسیاری از مباحث عرفانی است و در اکثر کتب عرفانی بخشی به واقعه روز الست اختصاص داده شده است. بحرانی بر مبنای همین عهد میان انسان و خداوند که درواقع تعهد عبودیت خلق در مقابل ربوبیت حق است، نتیجه می‌گیرد که عهدنامه سیاسی نیز باید مبتنی‌بر ربوبیت خلق در پیشگاه حق

اندیشه

بشر راه خود را گم کرده است

صغیر طاهرزاده با تمدن مدرن، بشر راه خود را گم کرد و نیاز دارد به اقلیم معرفت برگردد و با انقلاب اسلامی از جهت تاریخی در این موقف ایستاده‌ایم تا نقش خود را در فضایی که ادیان ابراهیمی به بشر عرضه کرده‌اند ایفا کنیم، زیرا با گریز خدایان توسط تمدن مدرن، اشباح فرمانروایی می‌کنند و لذا هر روز سیطره وهم و توهم بیشتر زندگی بشر را احاطه کرده است.



رعیت را رغبت به سلوک طریق حق پدید نیاید.» (همان: ۲۷) به نظر می‌رسد اندیشه سیاسی بحرانی مطابق با حدیث «الناس علی دین ملوکهم است و بر همین اساس وی سعی دارد تا براساس عهدنامه مالک، سیاست نفس را به سیاست اجتماع پیوند دهد. وی معتقد است اگر حکام «صالح و نیکوکار باشند، سایر مردم نیز صالح و نیکوکار باشند و چون فاسد و بدکار باشند، سایر مردم نیز فاسد و بدکار باشند.» (همان: ۳۹-۳۸)

بنابراین پیوندی درونی میان حاکم و مردم وجود دارد که ارکان اصلی یک اجتماع سیاسی هستند. با این وجود بحرانی با توجه به ماهیت اقتدارگرای واقعیت سیاسی در آن شرایط تاریخی، عمده توجه خود را معطوف به نصیحت حاکم کرده است؛ چنانکه این واقعیت شامل دیگر اندیشمندان سیاسی اسلامی نیز بوده و بنیاد رسالاتی که با عنوان «نصیحه‌الملوک» شناخته می‌شوند نیز بر همین واقعیت تاریخی استوار است. بحرانی نیز بر همین اساس به حاکم نصیحت می‌کند که «ملاحظه نمایند که خدای سبحانہ و تعالی با کمال قدرت و توانایی با بندگان خود که درنهایت ضعف و ناتوانی هستند چه قسم معاطه نموده، ایشان نیز با بندگان خدای سبحانہ به همان طریق سلوک نمایند.» (همان: ۷۱)

این گوشزد از سوی بحرانی مبتنی‌بر حاکمیت نهایی خداوند است که پیشتر از آن سخن رانده بود. به‌زعیم وی جامعه‌ای که بر مدار حق سامان یافته است، باید سیاستی حق‌مدارانه نیز داشته باشد. چنین توصیه‌ای لزوماً باید نوعی تسامح و خویشنداری را در سطح جامعه سیاسی رواج دهد؛ زیرا حق با بندگان خویش رُشوف و رحیم است. بحرانی نیز با اشاره به سخنان علی(ع) که نمود واقعی چنین حاکمی بوده، به «لطف و مرحمت به رعیت و محبت و دوستی با ایشان» اشاره کرده و سپس عبارت مشهور علی ابن ابیطالب(ع) را سند حرف خود می‌آورد:

ای مالک! «رعیت با برداران والی‌اند در دین و ملت از فرقه اهل ایمان، یا نظیر اویند در خلق و صورت از زمره اهل ذمه؛ و امان و ملاحظه اخوت دینی در صنف اول و مراعات رفقت [رفعت] جنسی در صنف دویم مقتضی آن است که والی هردو صنف را مورد مرحمت و شفقت ساخته، قیام به حق، رعایت و نگاهبانی فراخور حال هریک از ایشان نماید.»^(۸) (همان: ۷۳)

این عبارت علی(ع) که وی را در زمره نخستین کسانی قرار می‌دهد که حق مردم را بر تکلیف‌شان مقدم داشته است، کانون مهم‌ترین مدعیات رساله بحرانی برای سخن گفتن از حقوق رعیت است. (رک: همان: ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۴۶، ۱۶۱) بحرانی در جای دیگری قرینه‌ای عرفانی میان «ظلم» و «ظلمت» برقرار می‌کند و می‌آورد: «پرهیز از ظلم! پس به‌درستی که ظلم، ظلمت‌هاست در روز قیامت.» (همان: ۱۲۲)

در دیدگاه‌وی ارتباط درونی میان حق و خلق، ارتباطی هستی‌شناختی است که دارای تبعات مخصوص به خود است. چنانکه عدالت و ظلم، مستقیماً دارای تبعاتی عینی در جهان و فراسوی آن خواهد داشت. بر همین اساس بحرانی مطابق با عهدنامه مالک، معتقد است جامعه سیاسی باید دارای مختصاتی باشد که در آن شرایط

شرح نهج البلاغه آیت‌الله جوادی در آستانه انتشار

جلد نخست از کتاب ارزشمند «سُلُوْنی قَبْلَ أَنْ تُفْقَدُوْنی»؛ مجموعه شرح و تحریر نهج البلاغه آیت‌الله جوادی آملی به‌زودی منتشر می‌شود. جلد نخست این اثر دربردارنده شرح و تحریر خطبه‌های یک تا ۱۷ نهج البلاغه است که هر خطبه با درآمد آغاز می‌شود؛ فقراتی از خطبه نقل می‌شود؛ پس از واژه‌پژوهی و گزیده شرح، به تفسیر فقره به فقره آن خطبه پرداخته می‌شود و با اشارات آیت‌الله جوادی آملی، خاتمه می‌یابد.



سلوک خلق به‌سوی حق فراهم شود؛ زیرا با توجه به عهدی که در روز الست میان خلق و حق بسته شد و در عهدنامه مالک نمود عینی آن را می‌بینیم، سیاست، چیزی جز تعهد عبودیت خلق در مقابل ربوبیت حق نیست.

منابع در دفتر روزنامه موجود است.

پی‌نوشت‌ها:

- این سیدماجد بحرانی، با ماجد بن هاشم بن علی بن مرتضی الحسینی بحرانی(م ۱۰۲۸ ق) که استاد فیض کاشانی بوده، متفاوت است. از او جدای از این رساله، رساله فصوص سلیمانیه به شماره ۵۹/۶۳۰ در کتابخانه مجلس موجود است.
- نسخه شماره D/۲۳۳ مجموعه نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. این نسخه دارای الحاقیه‌ای است به نام وصایای ارسطو به اسکندر که حاوی مباحث سیاسی جالب توجهی است و از حوصله این رساله خارج است. (رک: ۲۶۴-۲۵۹)
- توجه داشته باشیم که سلطنت در معنای عام حکومت به کار رفته است.
- لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط (حدید: ۲۵)
- بحرانی در این عبارت میان ریاست و سیاست تمایز قائل شده است. این تفکیک در ترمینولوژی اندیشه سیاسی اسلامی حائز اهمیت است و در نوع خود حکایت از آن دارد که سیاست، لزوماً ممزوج با اخلاق است. به بیان دیگر سیاست هرگز نمی‌تواند دارای مشخصه آن چیزی باشد که سیاست تبلیغی خوانده می‌شود؛ در این صورت، با ریاست بدون سیاست مواجهیم. بر همین اساس به نقل از علی(ع) در غررالحکم آمده: «مَنْ قَصَّرَ فِی السَّیَاسَةِ ضَعُرَ فِی الرِّیَاسَةِ؛ هرکس که در سیاستمداری کوتاهی کند، در ریاست کوچک شود.» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵: ۷۳۶)
- کلمه ناخوانا، جایگزین: زبده
- ۷- یا معروف ۱۷۲ سوره اعراف: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ. . . همچنین در جای دیگری قرآن به این عهد اشاره می‌کند: «پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم؛ اما او فراموش کرد؛ و عزم استواری برای او نیافتیم.» (طه: ۱۱۵)
- جرج جرداق، نویسنده مشهور مسیحی بر همین اساس فصلی از کتاب بی‌همتای خود الامام علی صوت العداله الانسانیه را با عنوان «علی و حقوق بشر» نامگذاری کرده است و ذیل این عبارت امام به مالک آورده: «علی در مدارا با مردم و پذیرش عذر آنان در آنچه می‌کنند تا آنجا پیش رفته بود که مردم بصره با او جنگیدند و بر رخ او و فرزندانش شمشیر کشیدند و لعن کردند و دشنام دادند، ولی هنگامی که علی بر آنان پیروز شد، شمشیر را کنار نهاد و به آنان امان داد. و از همین باب بود که درباره قاتل گناهکار خود «ابن ملجم» هم سفارش می‌کرد. (جرداق، ۱۳۸۸، ج ۱ و ۲: ۱۴۲)